

دکتر تقی تفضلی
دانشیار گروه فرهنگ و تمدن اسلامی

آثار و مقامات علمی میرفندرسکی

میرفندرسکی:

میر ابوالقاسم فرزند میرزا بیک بن امیرصدرالدین موسوی حسینی مشهور به «میرفندرسکی^۱» از اجله حکماء موحدین و عرفاء متألّهین و فلاسفه متحوفین و از اکابر دانشمندان شیعه امامیه است که در حکمت طبیعی و الهی و علوم ریاضی و بالاخره در همه دانشهای عقلی یگانه زمان و وحید دوران و سرآمد حکماء و سرسلسله عرفا بوده و امور عجیب و شگفت‌انگیز بسیار به‌او نسبت داده‌اند.

در کتاب «طرائق‌الحقایق» جلد سوم صفحه ۷ شرحی راجع به ملاقات او با یکی از اقطاب در هندوستان و اعتکافش در خانقاه او بمدت هفت سال و کیمیا شدن بدنش نوشته است.^۲ ولادت میر با توجه به سال درگذشت وی که بنا بنقل تراجم در سنه ۱۰۵۰ اتفاق افتاده و در آن هنگام از عمر شریفش هشتاد سال میگذشته، در حدود سال ۹۷۰ هجری

۱ - منسوب به قصبه «فندرسک» که از قراء ایالت استرآباد در ایران است، و تا این شهر دوازده فرسنگ فاصله دارد (نعمه، عبدالله: فلاسفةالشیعه، چاپ بیروت، ص ۱۵۱).

۲ - خبری، ملا عبدالکریم: تذکرةالقبور یا رجال اصفهان، با ملحقات و تحشیه سید مصلح‌الدین مهدوی، ص ۹۲.

قمری بوده است.

معاصران میر:

میرفندرسکی در عهد پادشاهان صفوی میزیسته و با شاهعباس کبیر (۹۹۵ - ۱۰۳۷) و شاه صفی (۱۰۳۷ - ۱۰۵۱) هجری قمری و بامرحوم شیخ بهایی (متوفی بسال ۱۰۳۱) و میرداماد (متوفی ۱۰۴۲) معاصر بوده است.

مقامات معنوی و علمی میر:

وی سفری به هندوستان کرد و مدتها در آن دیار به ریاضت نفس و مجاهدت صرف نمود و مورد توجه ملوک و سلاطین آن سامان قرار گرفت و نزد ایشان مکاتبی عظیم یافت و در زمان سلطنت شاه صفی بایران بازگشت و کلیه طبقات از عارف و عامی مقدمش را گرامی داشته و از مجلس درس قانون و شفای او افاضل و اعیان زمان بهره‌مند میگردیدند.^۳ گویند: روزی در محضر او یکی از مسایل هندسه از سخنان حکیم و فیلسوف طوسی طرح گردید، میر در همان حال که بر بالشی تکیه داشت بیدرتنگ برهانی بر آن مسئله اقامه نمود، و از حاضران پرسید: آیا استدلال محقق طوسی همین نبوده است؟ گفتند: خیر. میر دلیلی دیگر ذکر نمود و باز از ایشان پرسید: آیا نظر محقق چنین نبوده؟ حاضران پاسخ منفی دادند. و بهمین ترتیب چندین استدلال و برهان با لبداهه بر آن مسئله اقامه نمود و این خود نشانه مهارت کامل و وقوف تام میرفندرسکی در این رشته از علم است.^۴ گرچه، صاحب «اعیان الشیعه» از کتاب «ریاض‌العلماء»

۳ - مدرس، میرزا محمدعلی: ریحانة الادب. چاپ دوم، چاپخانه شفق تبریز.

ج ۴، ص ۳۵۷.

۴ - فلاسفة الشیعه، ص ۱۰۱.

در شرح حال، میرفندرسکی چنین نقل کرده است: «حکیم فاضل فیلسوف صوفی مشهور کثیرالمهارة العلوم العقلية والرياضية لكنه قليل البضاعة في العلوم الشرعية بل والعريبه...»^۵.

میر با همه فضل و کمال و با همه احترام و جلال که در میان خواص و عوام داشت از تعلیقات و تکلفات آزاد میزیست و از مجالست اکابر و ارباب مناصب دینوی دوری میکرد و اغلب با درویشان و فقیران و صاحبان ذوق و حال میگذرانید. لباس پشمینه در بر میکرد. و در ترکیه نفس خود بجان میکوشید این رباعی را در این باب سروده است

دنیا بگذاشتم به اهل دنیا

دنیا نکند قبول مرد دانا،

الاسه چهار ناچاری را

آب رز و باده و شراب و صهبا

آوردند که روزی شاه عباس محض آنکه او را از مصاحبتهای پست ملامت نماید، گفت می‌شوم که بعضی از علماء با اجامر و اوباش معاشرت و به بازیها ناشایست آنها تماشا میکنند. میرفندرسکی جواب داد: من همیشه در جمع آنان بوده‌ام و هیچیک از علماء را آنها ندیده‌ام. شاه از گفته خود پشیمان گشته و دانست در این رفتار حکمتی و رمزی باشد.^۶

سیر و سفر میرفندرسکی

و در مقدمه کتاب «تحفة المراد» و کتاب تاریخ ادبیات براون^۷ آمده است که میر، در سفر هندوستان تحت نفوذ یکی از شاگردان آذر

۵ - امین جبل عاملی، سید محسن: اعیان الشیعه. ج ۷، ص ۶۸.

۶ - هدایت، رضاقلی خان: ریاض العارفین، چاپ اول، سال ۱۳۵۵، ص ۱۶۵.

۷ - ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۵۷ بعد.

۸ - براون: تاریخ ادبیات، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۷۲.

کیوان^۹ واقع شد و افکار زردشتی و هندی یا بودایی در وی تأثیر کرد چنانکه میگفت: مایل به طواف مکه نخواهم بود، زیرا که مستلزم کشتن حیوان بی گناهی است.^{۱۰}

فضل الله لایق در مقدمه‌ای که بر کتاب «تحفة المراد» نگاشته حکایت زیر را از کتاب قصص العلماء و همچنین کتاب «احوال و اشعار شیخ بهایی» تألیف سعید نفیسی آورده است که:

«وقتی شیری از قفس شاهی زنجیر گسسته و گریخته و با میرفندرسی و شیخ بهایی که در بالاخانه عمارات شاهی نشسته بودند برخورد میکند. شیخ بهایی از جای خود بجنبید ولی اندکی دچار ترس و وحشت گردید چنانکه عباي خود را جمع کرد و نیمی از صورت خود را پوشاند، اما میرفندرسی بقوت نفس و نیروی باطنی و اراده تسخیر، شیر را با نگاهی رام کرده و نوازش نمود و قلاده برگردنش نهاد...»^{۱۱}

باری میرفندرسی دارای مقامات باطنی بود و برای او کرامات بسیار نوشته‌اند، آورده‌اند در آن هنگام که میرفندرسی بیاحت و لایات کنار مشغول بود و با اهل آن دیار مخالفت مینمود روزی جمعی از نا مسلمانان خرابی و ویرانی مساجد مسلمانان را به وی تعریض زده و آبادی و آراستگی کلیساهای خود را برخ او کشیدند. میر در جواب گفت در

۹ - آذر کیوان حکیمی کامل از اهل فارس بوده از گروه سپاهیان و آذر هوشکیان استخر باصفهان رفته و با میرفندرسک معاصر و معاصر بوده و بهندستان رفته و بریاض پرداخته و پیروانی فراوان یافته و پس از هشتاد سال درگذشته است. در «جام کبخسرو» به نظم و نثر سیر و سلوک خود را شرح داده و برای پسر خود کبخسرو نگاشته است. (ابندراج به نقل پاورقی کتاب تحفة المراد، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۸۴).

۱۰ - ریاض المارقیین، روضه دوم، ص ۱۶۵.

۱۱ - تحفة المراد، مقدمه، صفحات ج ود.

معابد و مساجد ما ذکر حق می‌رود و بنا و عمارات طاقت و تاب آن نمی‌آورد لاجرم شکسته و ویران می‌گردد - لیکن در کلیساهای شما بحقیقت ذکر خدا نیست! گفتند: اگر راست می‌گوئی بیا و در معابد ما ذکر خدا کن تا معلوم شود که ذکر شما را هم چنین آثاری نیست. میر با توکل برخداوند طهارت ساخت و به کلیسای معروف و بزرگ شهر، رفت و با استعانت از ارواح طیبه اجداد خود آماده عبادت و ذکر و نماز شد و گروهی از مسیحیان بنظاره ایستاده بودند، میر اذان و اقامه گفت و بعد از نیت دستها به تکبیرة الاحرام برداشت و بانگی به «الله اکبر» برداشت و از کنیسه بیرون دوید و پس از، خروج وی بی‌درنگ سقف آن معبد عظیم فرو ریخت و دیوارها بهم برآمدند.^{۱۲}

آثار گرانبهای میر :

میر فندرسکی استاد گروهی از حکما و متکلمین بود و آثاری گرانبها از او بیادگار مانده است. تألیفات میرفندرسکی بشرح زیر است:

۱ - کتاب «رسالة الصنایع»، بفارسی و کتابی مختصر ولی مشهور است که در آن از، موضوع کلیه صنایع یاد کرده و در حقیقت علوم، تحقیق و بررسی نموده است. این کتاب در بمبئی با نام «حقایق الصنایع» چاپ شده است.

۲ - «تاریخ صفویه»

۳ - «تحقیق المزله»

۴ - شرح «کتاب المهاراة» یا «مهاباراة» تألیف یکی از حکماء هند

بفارسی است.

این کتاب به «شرح الجوك» مشهور است.^{۱۳}

۵ - «مقولة الحركة والتحقیق فیها»^{۱۴}.

۶ - «کتاب در تفسیر»^{۱۵}.

۷ - «دیوان اشعار»

اشعار میر

میرفندرسکی گاه گاه و بنا به مقتضای حال خویش اشعاری نغز و برخی غزلیات عاشقانه سروده است که از آنجمله است:

شرب مدام شد چو میسر مدام به

چون می حرام گشت نه ماه حرام به

یک بوسه از رخت‌ده و یک بوسه از لب

تا هر دورا چشید، و گویم کدام به،

ما طفل مکتبیم و بود گریه درس ما

ای دل بکوش تا سبق خود روان کنی

ندانم کز کجا آمد شد خلق است و میدانم

که هر دم از سرای این جهان آن رفت و این آمد

جان دهی و جان ستانی داده حق چشمی ترا

کز نگاهی جان ستاند و ز نگاهی جان دهد

پسرانه پیشم آبی پدرانسه بوسمت لب

چکنم پسر ندارم چکنی پدر نداری^{۱۶}

۱۳ - محدث قمی، حاج شیخ عباس: کنی و القاب ج ۳، ص ۲۸.

۱۴ - طهرانی، حاج شیخ آقا بزرگ: ج ... ص ۳۹۵.

۱۵ - تذکره القیوم، ص ۹۶.

۱۶ - نصرآبادی اصفهان، میرزا محمد ظاهر. تذکره نصرآبادی. چاپ ارمغان،

تهران، ۱۳۱۷، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

و نیز قصیده حکیمانه معروف او که باستقبال و یا در جواب قصیده ناصر خسرو علوی قبادبانی سروده و مورد توجه حکماء و عرفا واقع شده و برخی از ایشان شرحها بر آن نگاشته‌اند.

قصیده ناصر خسرو با این بیت آغاز میشود:

چيست اين خيمه که گویی پر گهر درياستی

یا هزاران شمع در پیکانی از میناستی

و میر قصیده خود را با این مطلع سروده است:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد هر چه در بالاستی^{۱۷}

این قصیده بنقل «ریحانة الادب»^{۱۸} سی و دو بیت است اما نگارنده مقدمه کتاب «تحفة المراد» در این زمینه مینویسد: «شاعری دون مقام میر بوده و لیکن طبع بلندی داشته. از اشعار میرفندرسکی قصیده حکمیه که اساس شرح کتاب «تحفة المراد» است شامل چهل و یک بیت میباشد بالتمام در صفحات بعد نوشته شده و بعلاوه دو رباعی و یک دوبیتی از عارف مزبور بنظر رسیده که عینا درج میگردد»^{۱۹}.

در همین مقدمه بنقل از «مجمع الفصحاء» دوبیت زیر را نیز به میر نسبت داده است:

کافر شده‌ام بدست پیغمبر عشق

حنت چکنم جان من و آذر عشق

شرمنده عشق و روزگارم که شدم

درد دل روزگار و درد سر عشق

۱۷ - برای مطالعه تمام قصیده، ر. ک. هدایت: مجمع الفصحاء، ج ۳، ص ۶.

۱۸ - ریحانة الادب، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

۱۹ - لایق، فضل‌الله: تحفة المراد، تهران، ۱۳۳۷، مقدمه، ص «ر».

ناگفته نماند که قصیده معروف میر را سید امیر محمد هندی تخمیس کرده و مطلع آن چنین است:

ایکه ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی
جوهری دهر راجون لؤلؤ لالاستی
بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی
«چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی
«صورتی در زیر دارد هرچه در بالاستی»^{۲۰}
«شروح قصیده حکمیه میر»

این قصیده را نامبردگان ذیل شرح و توضیح داده و در آن کتابی پرداخته‌اند.

۱ - محمد صالح بن محمد سعید خلخالی از شاگردان ملا محمد صادق اردستانی.

۲ - حکیم عباس شریف دارابی (متوفای ۱۳۵۵ ه. ق) که شرح خود را «تحفة المراد» نامیده است.^{۲۱} وی یکی از مفاخر دانشمندان فارس در قرن سیزدهم، و فیلسوفی گرانقدر و عارفی عالیمقام بوده است.^{۲۲} درگذشت و مدفن میر:

و بالاخره میر پس از هشتاد سال که عمر شریفش میگذشت در سنه ۱۵۵۵ در شهر اصفهان و در عهد شاه صفی دیده از جهان فرو بست و بنا بوصیت او کلیه کتب وی به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل گردید.

۲۵ - تذکره القبور، ص ۹۶.

۲۱ - دو شرح مذکور بچاپ رسیده است (تذکره القبور، ص ۹۶).

۲۲ - تحفة المراد، مقدمه، ص «یا» و بعد از آن.

تربت این حکیم در کنار مزار قنبلالتارفرین بابا رکن‌الدین در تکیه‌ای که بنام «تکیه میر» نامیده شده، واقع در ابتدای گورستان قدیمی تخت پولاد اصفهان قرار دارد.^{۲۳}

بر دیوار حجره این تکیه کتیبه‌ای بخط میرعماد حسنی دیده می‌شود. وی از سادات قزوین بوده و در نوشتن نستعلیق ید بیضا میکرده و در سال ۱۰۲۴ هجری قمری باتهام سنی بودن مقتول گردیده است.

غزل ارجمند حافظ با مطلع «روضه خلدبرین خلوت درویشانست» با خط خوش میرعماد حسنی در آن مکان حالتی چنانکه «پدرک ولایوصف» بانسان دست میدهد.^{۲۴}

محل قبر سکویی مکعب است که سنگ لوح مزار آنحضرت بعمود روی آن نصب شده و از مرمر شفاف است و تاریخ رحلت میر بخط نسخ متضمن عباراتی متناسب مقام بر روی آن کنده شده و در پایان آن سال درگذشت وی چنین آمده است: «وکان وفاته الف و خمسين من هجرة النبوی ۱۰۵۵».

در این تکیه پرده نقاشی کهنه‌ای که در طرف راست آن میر و در طرف چپ شیخ بهایی، (علیهماالرحمه) تصویر شده است موجود است.^{۲۵} باری، مزار میر مورد توجه مردمان است و به آن توسل میجویند و قنای حاجات می‌خواهند.^{۲۶}

نسخ خطی مؤلفات و شروح مختلف قصیده، حکیه میر»

۱ - رساله صناعیه میرفندرسکی:

۲۳ - تذکره نصرآبادی، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲۴ - تحفة المراد، مقدمه، ص ۵.

۲۵ - عبرت نائینی: مدینه‌الادب، ص ۳۹۹.

۲۶ - تحفة المراد، مقدمه، ص «ج»، بنقل از «تذکره العبور».

الف - فهرست کتب خطی دانشکده حقوق صفحه ۴۳۵ تحت عنوان کتاب «لباب الالباب» می نویسد:

«محمد تقی نصیری در قرن یازدهم رساله صنایع فندرسکی را به عربی ترجمه کرده است.» محمد تقی بن عبدالحسین بن محمد زمان نصیری طوسی سپاهانی که ظاهراً برادر مؤلف، کشف الایات و از خاندان خواجه طوسی و شاگرد فیض کاشانی و از دانشمندان شیعی اخباری و مؤلف مبدأ و معاد عبری شالوده کتابی بنام «لباب الالباب» ریخته و میخواست است از علوم مربوط به اخلاق و سیاست و فقه که از آنها به «ناموس» تغییر میکند در آن بیاورد این نسخه بخط مؤلف است.

در این کتاب بیست و سه رساله از نصیری و دیگران است. از جمله رساله نهم «رساله الصناعه» ساخته میر ابوالقاسم فندرسکی است. در آغاز رساله آمده است: «هذه رساله موسومة بالصناعة للسید الجلیل المرحوم... میر ابوالقاسم الفندرسکی فی فنون طوایف الناس من جهة الصناعه الکلیه و الجزئیه و القه و الباطله کلیه و فی حدالصناعه و الصناعه و الصناعه اصل قریب للتمدن و کان هذه الرساله رشحه من جزء اخیر کتابنا «الناموس» و اما تفصیل الملل و الادیان یظهر فی خاتمه الناموس ان شاء الله تعالی».

ب - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه: ج ۳، ص ۱. فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوه، گردآوری دانش پژوه، ص ۲۹۵، ش ۱۵۴۵.

۲ - صنایع (فارسی) میر ابوالقاسم فرزند میرزا نزرگ فرزند میر صدرالدین فندرسکی، استرآبادی. فیلسوف، پزشک و ریاضی دان. این نگارش را درباره گوناگون وسوهای آنها و شناساندن کسانی که شایستگی هریکی از آنها را دارند، پیرداخت، و دارای یک دیباچه و بیست و سه باب است، و با «اخلاق» طوسی در هند سال ۱۲۶۷، و در تهران سال

۱۳۱۷ بچاپ رسیده است، این نسخه بشماره ۸ دفتر و بخط شکسته. نستعلیق محمد شریف بن محمد قائمی در سال ۱۰۵۱ نوشته شده است، و نیز نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۴۴۴۵ (جلد دوم فهرست، ص ۴۱۱) موجود است، همچنین در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۳، ص ۴۷۸.

۳ - «جوک باشسته»: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، مجلد ۱۵.

۴ - «جوک باشسته»: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۳، ص ۴۷۸، ش ۲۴۶.

۵ - کتاب کشف اللغات کلیات جوک (فارسی):

میرفندرسی واژه‌های هند جوک یا شست را در این گفتار بفارسی گزارش میدهد.

آغاز: باب‌الالف: اتمان هستی مطلق و اصل آفرینش

انجام: تیرته معبدتی و بار اسم یکذات ... تم بالخیر

این نسخه بشماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد.

۶ - در فهرست کتابخانه سپهسالار - (ج ۲، ص ۲۵۵) مینویسد:

«فندرسی در گزیده خویش از جوک، واژه‌های هندی را گزارش

نموده سپس دیگری از روی سخنان نظام‌الدین پانی پتی ترجمان پارسی

جوک، و فندرسی فرهنگی از آن واژه‌ها ساخته و به آن «لغات جوک»

نام نهاده است» (و نیز، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۸، ص ۸۹).

۷ - مجموعه شماره ۱۴۱۶، نسخه‌ای به خط محمد لاهیجی:

الف - کشف اللغات کلیات جوک از میرفندرسی

ب - جوک بار شست در عرفان هندی

۸ - نسخه خطی شرح قصیده بنام «تحفة المراد».

از میرزا عباس شریف دارابی، که برای حسام السلطنه در پایان سده نیزدهم نوشته شده است: «... که چون قصیده فریده سیدالحکماء امیر ابوالقاسم مشتمل بر اشارات و اسرار و رموز بود به اشارات و تشویق آقا میرزا محمد خان خازن کتابخانه ملک با ذل هنرور شاهنشاهزاده حسام السلطنه این بی بضاعت بشرح و توضیح آن عالی سبیل الاجمال پرداخت». این نسخه بخط نستعلیق از ابوالحسن بن عبدالله و در بیست و سوم جمادی الاولی ۱۲۹۳ آنرا نوشته است. این نسخه را شارح به حسام الدین فرزند حاج میرزا محمد شهیر به حکیم‌باشی داده است. (فهرست نسخدهای خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران صفحه ۱۵۳، شماره ۶۵۲، انتشارات دانشگاه).

۹ - شرح قصیده فندرسکی (خطی)، از محمد صالح خلخالی):

محمد صالح خلخالی بر قصیده «چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی» میرفندرسکی این گزارش را نوشته است: «آیات قصیده در این شرح به ۴۱ بیت میرسد. این شرح جزء «تحفة المراد» است».

آغاز: «شرح قصیده عارف کامل میر ابوالقاسم فندرسکی

..... و به نستعلیق

ای آنکه بجز تو نیست در هر دو جهان

برتر ز خیالی و مبری ز گمان

اما بعد، فبقول الفقیر الی رحمته ربه القا در العالی محمد صالح

الخلخالی:، هذه فقرات منی علی القصیده المشهورة المعروفة».

این نسخه نستعلیق محمد بن محمد باقر کاشانی است که در روز شنبه

چهاردهم ع ۱۲۹۳ آنرا پایان رسانیده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱ - نعمه (عبدالله): فلاسفة الشيعة، بيروت.
- ۲ - خبری (ملا عبدالکريم): تذکرة القبور، رجال اصفهان، تهران، چاپ سري، ۱۳۲۸ شمسی.
- ۳ - مدرس (ميرزا محمد علی): ریحانة الادب، تبریز ۱۳۴۹. چاپ دوم. جلد چهارم.
- ۴ - امين جبل عاملی (سيد محسن): اعيان الشيعة، دمشق، ۱۳۵۴ قمری.
- ۵ - لایق (فضل الله): تحفة المراد، شرح قصیده معروف مير، تهران، ۱۳۳۷ شمسی.
- ۶ - نراقی (ملا احمد): خزائن، تهران، ۱۳۳۷ شمسی.
- ۷ - قمی (حاج شيخ عباس): کنى والقباب، نجف، ۱۳۷۶ قمری، چاپ سري. جلد سوم.
- ۸ - طهرانی (آقا بزرك): الذريعة، نجف، ۱۳۵۵ شمسی (۱۳۵۷ قمری)، جلد ۱-۳.
- ۹ - نصرآبادی (ميرزا محمد طاهر): تذکره، تهران، ۱۳۱۷ شمسی.
- ۱۰ - براون (ادوارد): تاريخ ادبيات از آغاز صفويه تا زمان حاضر، ترجمه رشيد ياسمی، تهران، ۱۳۱۶.
- ۱۱ - هدايت (رضا قلی خان): مجمع الفصحاء، تهران، ۱۲۹۵ قمری، چاپ سنگی.
- ۱۲ - تنکابنی (محمد بن سليمان): قصص العلماء. تهران، چاپ سنگی، ۱۲۹۰ و ۱۳۰۹ قمری.
- ۱۳ - نفیسی (سعید): احوال و اشعار شيخ بهائي تهران، ۱۳۱۶.
- ۱۴ - هدايت (رضا قلی خان): رياض العارفين، تهران، ۱۳۱۶.

- ۱۵ - دانش پژوه (محمدتقی): فهرست کتب خطی دانشکده حقوق، تهران.
- ۱۶ - دانش پژوه (محمدتقی): فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، ۱۳۳۵.
- ۱۷ - خوانساری (محمدباقر): روشات الجنات، تهران، ۱۳۵۶ قمی.
- ۱۸ - قمی (حاج شیخ عباس): فواید الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، تهران، ۱۳۲۷ شمسی، چاپ سربی.
- ۱۹ - آشتیانی (سید جلال الدین): شواهد الربوبیة و رسائل فلسفی و شرح فصول، ۱۳۴۶ شمسی.
- ۲۰ - مصاحبی نائینی (عبرت): مدینة الادب، فهرست اسامی شعرا و علما و عرفا و هنرمندان، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی.